

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست ...

این حقیقت که برای کتاب شریف نهج البلاغه از پس افزون بر ۴۰۰ شرح کوچک و بزرگ با رنگ‌ها و درون‌مایه‌های گونه‌گون هنوز هم کرانه‌ها و ژرفاهای نادیده و ناگشوده‌ای در پیش جستجوگران برجای مانده، سخنی است که جملگی برآند. بی‌گمان هر کسی به قدر همت و بن‌مایه دانشی خود در هر گام در گلگشت این مینوی جان‌بخش به حقایق نابی در راستای مقصود خود دست می‌یابد. نگارنده گفت: «در راستای مقصود» و نگفت: «بهترین‌ها از سخن امام علیه السلام، چه مانند ابن ابی‌الحدید بر این باور است که: «أنت إذا تأملت نهج البلاغه وجدته كله ماء واحدا ...» (بلاغه الامام علی علیه السلام، ص ۳۳) و در این صورت موضوعی برای گزینش بهترین‌ها نمی‌ماند که همه بهترین‌ها است. این سخن امین نخله دانشور، ادیب و نویسنده بلندپایه مسیحی را باید به‌صورت جدی نگریست که: وقتی از او خواستند ۱۰۰ کلمه از سخنان نهج البلاغه را برگزیند، پس از باریابی به ساحت کلام مولا علیه السلام در پاسخ خواهنده نگاشت: «والله ما أعرف كيف اصطفى لك الماء من مئات بل الكلمة من كلمات إلا إذا سلخت الياقوتة من أختها و لقد فعلت و یدی تتقلب علی البواقیت و عینی تغوص فی اللمعان فما حسبتی أطرح من معدن البلاغه بكلمة لفرط ما تحیرت فی التّخیر» (مصادر نهج البلاغه و أسانیده: ۱ / ۲۶۲)؛ به خدا سوگند نمی‌دانم چگونه برای تو از انبوه این سخنان ۱۰۰ کلمه برگزینم ... جز اینکه هرگاه دانه یاقوتی را از هم‌سانان خود جدا می‌سازم، دانه می‌چینم و دستانم به روی یاقوت‌ها می‌غلند و چشمانم در درخشش خیره‌کننده آنها فرو می‌رود و از شدت حیرت در خویشتن خویش، خود را





چنین می‌یابم که توانی برای گزینش از این معدن بلاغت در من نیست، نیز همو است که می‌گوید: «إذا شاء أحد أن يشفي نفسه من كلام الامام عليه السلام فليقبل عليه في النهج من الدقة إلى الدقة وليتعلم المشي على ضوء نهج البلاغة» (همان)؛ هر آنکه خواهد از چشمه‌سار عشق علوی داروی دردش را بگیرد، بر او است که جانانه به نهج البلاغه روی آورد و از آغاز تا پایان آن را بنگرد و سبک زندگی را در پرتو آن فراگیرد.

در عمر بیش از هزار ساله راهیابی نهج البلاغه به محافل علمی و ادبی، این اثر بی‌نظیر دل‌های بی‌شمار مردان و زنان حقیقت‌جو به مانند امین نخله را به‌سوی خود کشید که چندان که گزارشگران و فهرست‌نگاران تلاش کردند: راهی به پایان نبردند و این جاری خوشگوار همچنان «پاک و صافی می‌رود بی‌اضطراب» نگارنده این دل‌گویه را با مدد روح آسمانی مولا علیه السلام به قلم آورد تا مگر اهالی فضل و فضیلت را توجّهی به حاصل آورد و بصیرتی بیفزاید و راهی به‌سوی مقصود بگشاید و همتی و حرکتی ... همین.